سفری به شهر آفتاب، آرامگاه ابدی کتابها (گزارش طنز)

روزی جاهلی نزد حکیمی رفت و حکیم را گفت: "ای حکیم مرا پندی ده که آن به!!!"

جاهل کوله بار ببست و اندکی توشه راه، روانه کیسه کرد و کیسه به نوک چوبی بلند آویزان کردندی و آن را به دوش کشیدندی و به دنبال طریقی که حکیم به وی آموخته بود روانه گشت.

چند روزی برفت در همین هنگام بود که جاهل را یاد آمد طریق حکیم به اشتباه پیموده، بسیار به سر و صورت بزد و شیون سر داد که ای وای توشه راه تمام گشت و مسیر ناتمام ماند... جاهل با همان سر و صورت زخمی و آزرده پندی را به یاد آورد که آن را در دفترچه گوشی مارک اپلش انبار کرده بود، گوشی را که به اندازه یک قرص نان بود و عرضش به پهنای اتوبان همت غرب، از جیب شلوار به قول خودش سند بادی درآورد و نظری به محل انبار جملات قصار حکیم انداخته و برق از چشمانش که گویا لامپ خورشیدی با ولتاژ بالا در آن تعبیه شده بود روشنایی بخش قلب جاهل گشت و آن پند این بود: "ای جاهل طریق نیل به خدا کثیر است، یکی از این طریق خط یک مترو، ایستگاه شهر آفتاب است و دیگری اتوبان خلیج فارس سهل است همان طریق واحد..."

البته تو را پندی دگر آموزم، که گر خواهی لاغر شوی و خوش استیل همان مسیر اول را بهگزین نما، چرا که متروی این خط آنچنان شلوغ است که گر همین سوار شوی ۱۱۰ الی به بالا وزن داشته باشی، ام پی تری پلیر شوی و فشرده فشرده کمثله نان لواشی بیرونت رانند البته اگر درهمین هنگام از کمبود هوای تازه و بوی خوش عرق جان سالم به در بردی نذری کن حرم مطهر امام راحل را و گاوی، گوسفندی بنا به توان مالیت در راه حق ذبح نما... خلاصه بعد از اطمینان کامل از سلامت جسمانیت از تند روهای موجود در اعماق زمین بیرون بیا و ۴۰ دم و بازدم پی در پی خودت را هدیه کن وسپس پله های نفتی بیست و نهمین نمایشگاه بین المللی کتاب طهران را بالا بیا و اندکی برای آسایش روانت شیرین کاری برنامه کودکان را تماشا نما! سپس گام ها سریعتر بردار و در صفوفی که گویا صف نان سنگک یا سبد کالاست زمانی سپری کن تا در نهایت سوار بر مرکب های از چین آمده و به ارزش ۳۰ میلیون تومانی شوی و برسی به میعادگاهی که باید... در مسیر ابتدا سردرگم و هاج و واج و گیج و ویج خواهی شد. اصلا نگرانی به دلت راه مده چرا که پیری و کهن سال و به قول امروزی ها استرس برای قلبت سم مهلک است و به از سیانور... گویا دریچه که نه دروازه های آئورتت را مسدود نماید و ان شا ا مرگ بر تو نازل گردد... خلاصه به میدانی میرسی که زیباترین جایگاه همین طریق حکمت است، چرا که هنگام خستگی استراحتگه تو و هنگام گرما سایه سر توست و آن محیط گردالی شکلی است که دور تا دورش را گل هایی از جنس رنگ های بهشتی آزیین داده و فواره ای در مرکز آن گویی خورشید است در مرکز منظومه شمسی، این مکان تفرجگاه اهل جوان و کبوتر های تازه به دوران رسیده است و گاه محلی که امروزی ها آن را آتلیه خوانندش، چراکه هرعابر کتابی در دست کمثله کتاب خوانان حاذق عکاسی شود و عکسی را در قاب گوشی خود هک نماید هر چند به یادگار...

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

ای جاهل! در میانه این طریق گر گرسنگی و ضعف بر تو احاطه کرد، نگران مباش چراکه کسر اعظمی از این نمایشگاه را کاروانسرا ها و آشپز خانه های سلطنتی بنام های هانی و هایدا و... پوشش موضوعی داده اند، پس دراز لقمه ای به مبلغ خون پدر پدر پدر پدرت که بسیار ناشناس است خریداری کن و نوشابه ای به دلخواه و با رنگ بندی کامل اشانتیون گرفتندی و شکم وامانده سیر نمودندی... اگر خدا هم راضی بود سری بزن به دالان هایی که ازدحام و سردر گمی شاخصه اول آنها است، به نام های فانتزی بین الملل از۲۱ بلاد بنام دنیا، دانشگاهی، آموزشگاهی، کودک و نوجوان و الکترونیک و دالانی به نام عموم که به بی نظمی شهره است و اگر سر سلامت از این دالان خارج شدی بدان خدای تبارک و تعالی نظر لطفی به تو افکنده پس به شکرانه آن نذری ادا نما! گویا همه این بخش ها را با حروفی که در آینده با فلسفه آنها آشنا خواهیم شد رده بندی کرده اند. بسان عمل شایسته ملویل دیوئی رحمت ا علیه... در مسیر سری به سرای اهل قلم بزن و ببین چه اعمال انجام داده، هر روز در زمانی خاص نشستی با محتوایی متناسب با سن افراد، هر روز دعوت از چهره هایی خاص و هر روز برنامه ای به از دیروز... گویا در غرفه بلاد بیگانه که بین الملل خوانندش مهمانی ویژه افتخار همنشینی با دیگر بلاد ها داده و بر سر این بخش منتی به اندازه یک صخره سنگ سخت بنهاده و خود را مهمان ویژه خوانده و آن شئ عجاب روسیه است. اگر روی تلفن همراهت که گویا مارک آن مبدل شده به آیفون گوگل مپی نصب داشته و یا هر نقشه راهی دیگر، پا به دالان عمومی ها بگذار چرا که مفقود شدن در این غرفه ها همانا و هاج و واج شدن همانا...

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

در دالان آموزشگاهی که مربوط به قشر بی نوای جامعه یعنی پشت کنکوریهاست، قلم چی و گاج و تخته سیاه و کلاغ سیاه بی داد میکنند و هر برندی سازی میزند و این قشر، درمانده اند که به ساز چه کسی رقص کنند تا در اخر پیام نوری، آزادی در دهکوره قبول شوند... گروهی در این محفل ده روزه که زمان بازدیدش از ۱۰ صب تا ۲۰ شب بود فقط بدنبال پاس کردن دروس و رفتن به ترم بالا و جهت پاس داشتن حرمت حرف جناب استاد که مشتی مزخرفات نوشته و به دانشجویانش امر فرموده که کتبی که بنده مولف آنم را تهیه نمایید روانه این آشفته بازار کتاب شده اند... ای جاهل گر خسته شدی و توان ادامه طریق نداشتی، عازم هتل هایی شو که از قبل با پول های هنگفت باید رزروشان میکردی تاپ ترینشان که گویا در میانه افلاک بنا شده و چندین ستاره خوانندش اطلس است بدانجا رو اندکی بیاسای... گر خسته و درمانده شدی به کودک درونت سری بزن و روانه غرفه کودکان شو از گل بازی گرفته تا سر سره بازی همه را در خود فراهم آورده تا چون تو جاهلی دلی از عزا درآورده و اندکی شادمانی کند...

در این بین گروهی برای برتری جستن از دیگری و دلربایی بیشتر اشیاء گرد و راه راهی به رنگ سیاه و سبز، که هندوانه خوانندش بین ازدحام جمعیت خیرات دهند... در این مقام رنگ و لعاب و زینت و موسیقی و طرب فراهم است، توصیه میکنم که دین را پاس بدار و رقصان و لرزان از پس موسیقی ها طریقت را گم نکن و دامنت را از دست مده...

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

گر فرصتی بود و خواستی برای کتابخانه سرای حکیم مجموعه ای از کینگ و لرد خریداری کنی به غرفه رفقای ادیسون صلوات ا۴ که همان نشر الکترونیک است سری بزن که در این بین غرفه ای بنام پیام حنان که نامی بسی سنگین است و لافهم برتر شده... گر دلت هوایی شد و هوای دو نفره خواست طلب باران نما که سقف های نمایشگاه به حدی کاذبند که دانه های درشت باران بر سر کتابهای بی نوا اصابت کنند و گاهی سیلابی به راه افتد که چشم فلک کور، تمامی کمبود آب های کره خاکی در شهر آفتاب، البته همیشه ابری رفع گردد... خلاصه آگاه باش مردمان شهر آفتاب تلاش ها کرده اند و چه شبها که تا سحر نخفته اند قرار است تا سال ۱۴۰۰ همین طریقی که تورا به سوی خدا میرساند که گویا بهشت زهرا خوانندش محلی باشد برای برگزاری این نمایشگاه، پس حرمتش را پاس دار چرا که رئیس این نمایشگاه خود فرموده: "بوسه میزنم قدوم مردمان کشورم را که طالب عشق و اندیشه و فرهنگ اند". ای جاهل! به حرمت برترین های این محفل ده روزه که نامشان جز اسرار فاش شده است (شهر قلم، ارجمندف تخته سیاه، مانا، طاها، آوند دانش و ویژه نشر) و به حرمت آن گروهی که برای پاس داشت حجاب غرفه ای بنا کرد و برتر هم شد (پیام مشرق و امام حسین) کسری های این مکان مقدسه را که مشرف به آرامگاه ابدی همه ما بوده را ببخشا به امید بخشایش خویش در روز جزا... امید است در این طریق جان سالم به در برده و با کوله باری از فهم به دروازه حکمت باز گردی...

قربان شما: حکیم

نویسنده: فاطمه ترابی

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

کتابدار ۲.۰
مجله ای فناوری، مهارتی و کاربردی برای کتابخانه ها و کتابداران ایران
شاپا: 2345-2425

مشخصات استناددهی به این مقاله

نویسنده(ها): فاطمه ترابی
عنوان مقاله: سفری به شهر آفتاب، آرامگاه ابدی کتابها (گزارش طنز)
عنوان مجله: کتابدار ۲.۰ –(عنوان لاتین: 2.0 i-Kitabdar)
دوره مجله(Vol): ۲
شماره مجله(Issue): ۲
سال(Year): ۱۳۹۵
شناسه دیجیتال(DOI):
لینک کوتاه: http://lib2mag.ir/4597

lib2mag.ir

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.